

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

نویسنده: پروفیسور و الننتین کاتاسانوف  
برگردان: ا. م. شیری  
۱۲ اپریل ۲۰۲۲

## کودتای خزنده صد و ده سال پیش در امریکا



از زمان وودرو ویلسون در مدت یک قرن، هیچ یک از رؤسای جمهور امریکا به اندازه جو بایدن عروسکی نبوده است

در سال‌های ۱۹۱۰-۱۹۱۲ حزب جمهوری‌خواه ایالات متحده امریکا ابتداء کنترول مجلس نمایندگان و سپس، مجلس سنا و کاخ سفید را هم از دست داد. وودرو ویلسون، دموکرات به ریاست جمهوری رسید و تا اوایل سال ۱۹۲۱ در کاخ سفید ماند. این واقعه بسیار شبیه وقایع زمان ما، یعنی زمانی است که دونالد ترامپ جمهوری‌خواه در سال ۲۰۲۰ جای خود را به جو بایدن دموکرات داد و موقعیت جمهوری‌خواهان در هر دو مجلس تا حد قابل توجهی تضعیف گردید. من شباهت‌های بین رویدادهای سیاسی ایالات متحده در سال‌های ۱۹۱۰-۱۹۱۲ را با رویدادهای پایان دهه دوم و آغاز دهه سوم قرن بیست و یکم به وضوح می‌بینم. شواهد زیادی دال بر این واقعیت وجود دارد که پیروزی وودرو ویلسون با نقض فاحش قانون اساسی، از طریق فریب، رشوه و باج‌خواهی میسر شد. پیروزی ویلسون در واقع، نتیجه یک کودتا بود و کودتا نیز به منظور اجرای طرح «انقلابی» در پوشش چهره عروسکی «منتخب مردم» سازماندهی شد.

مهمترین نکات این طرح اعم از ایجاد نظام ذخیره فدرال امریکا (بانک مرکزی امریکا)، آغاز جنگ جهانی و تقسیم مجدد جهان، تضعیف حاکمیت‌های ملی و ایجاد حکومت جهانی در طول ۸ سال ریاست جمهوری ویلسون به طور کامل یا جزئی اجراء شد.

نکات مشخص‌تر این طرح ناظر بر ایجاد یک امپراتوری یکپارچه آنگلوساکسونی (بریتانیا، ایالات متحده امریکا، کانادا، استرالیا، نیوزلند)، تبدیل روسیه تزاری به دولتی کاملاً وابسته به غرب و تأسیس نهاد قدرت فراملی (بعدها جامعه ملل) بودند. این طرح در اعماق **انجمن مخفی «میز گرد»** در پایان قرن نوزدهم توسط «سلطان الماس» سیسیل رودز که در پشت آن بانکداران لندن سیتی، در درجه اول، روچیلدها قرار داشتند، متولد شد.

از زمان وودرو ویلسون در مدت یک قرن، هیچ یک از رؤسای جمهور امریکا به اندازه جو بایدن عروسکی نبوده است. و برخی جزئیات وقایع بیش از یک قرن پیش به ما اجازه می‌دهد تا ادعا کنیم که ورود ویلسون به کاخ سفید آخرین مرحله کودتا بود.

رهائی امریکا از زیر سلطه سلطنت بریتانیا که در اعلامیه استقلال سال ۱۷۷۶ ثبت شد، یک رویداد کلیدی در تاریخ ایالات متحده بود. پادشاه و بانکداران بریتانیا نمی‌توانستند با چنین چرخش امور موافق باشند. اتحادیه سلطنت و سرمایه بریتانیا وظیفه بازگرداندن دنیای جدید به زیر نظارت لندن را تعیین کرد.

نخبگان سیاسی و مالی بریتانیا شبکه عوامل خود را در دنیای جدید ایجاد کردند که از اقیانوس اطلس تا اقیانوس آرام امتداد داشت و نه تنها ایالات امریکای شمالی، بلکه کانادا را نیز در بر می‌گرفت. با این حال، همه رؤسای جمهور امریکا، از جورج واشنگتن تا ویلیام تافت (رئیس جمهور بیست و هفتم)، از حامیان حفظ و تقویت حاکمیت و استقلال امریکا از بریتانیا بودند. در میان آن‌ها کسانی بودند که شجاعانه در عین به خطر انداختن جان خود با تلاش مأموران انگلیس برای تضعیف حاکمیت امریکا مخالفت می‌کردند. به عنوان مثال، اندرو جکسون، هفتمین رئیس جمهور (از ۱۸۲۹ تا ۱۸۳۷ در کاخ سفید ماند). او تلاش‌های لندن سیتی برای راه‌اندازی یک بانک مرکزی خصوصی در ایالات متحده با سرمایه روچیلدها و سایر بانکداران اروپائی را با شجاعت ناکام گذاشت. تلاش‌های زیادی برای حذف فزونی این سیاستمدار سرسخت صورت گرفت، اما او به مرگ طبیعی درگذشت. اما آبراهام لینکلن، شانزدهمین رئیس جمهور (در سال‌های ۱۸۶۱-۱۸۶۵) در کاخ سفید ماند و کشته شد. جنگ داخلی امریکا در سال‌های ۱۸۶۱-۱۸۶۵ توسط لندن آغاز گردید. صنعتی شدن در ایالات متحده امریکا آغاز شد (در ایالات شمالی). اما لندن فقط به عنوان یک مستعمره مواد خام به دنیای جدید نیاز داشت (در آن زمان، پنبه اصلی‌ترین ماده خام عرضه‌شده به دنیای قدیم بود). علاوه بر این، لینکلن تصمیم گرفت اسکناس‌های دالری خزانه‌داری را انتشار دهد و با این کار، یک تهدید جدی برای انتشار اسکناس توسط بانک‌های خصوصی ایجاد کرد. رئیس جمهور شجاع امریکا موفق شد وقایعی را که در مدت تقریباً نیم قرن موجب تضعیف حاکمیت امریکا می‌شد، به تعویق بیندازد.

وودرو ویلسون، بیست و هشتمین رئیس جمهور، اولین رئیس جمهور دست‌نشانده مطلق شد. تقریباً ده ماه پس از ورود او به کاخ سفید (۴ مارچ سال ۱۹۱۳)، امریکا حاکمیت ملی خود را از دست داد. اینترناسیونال مالی بین‌المللی موفق شد از طریق کارگزاران خود قانون نظام ذخیره فدرال امریکا را در کنگره به تصویب برساند. در واقع، این قانون بانک مرکزی امریکا را به عنوان یک شرکت خصوصی که بانکداران اروپائی می‌بایست در سرمایه آن شرکت کنند، تأسیس کرد (در درجه اول، بریتانیائی‌ها و از میان بریتانیائی‌ها در وهله اول، روچیلدها).

بسیاری‌ها در باره این حادثه فاجعه‌بار برای امریکا نوشته‌اند: از جمله، یوستیس مولینز در کتاب «اسرار نظام ذخیره فدرال» (۱۹۵۲)؛ رالف پرسون در کتاب «دست نامرئی. مقدمه‌ای بر نگرش به تاریخ به عنوان یک توطئه» (۱۹۸۲)

؛ آنتونی ساتون در کتاب «توطئه نخبیره فدرال» (۱۹۹۵)؛ ران پل در کتاب «پایان دادن به نخبیره فدرال» (۲۰۰۹) و دیگران.

پس از ایجاد ساختار نخبیره فدرال، امکان حرکت به نقطه بعدی طرح- آغاز یک جنگ جهانی امکان پذیر شد. این مرحله سریع اتفاق افتاد. رئیس جمهور گوش به فرمان کمک‌های سیاسی، اقتصادی و مالی به بریتانیا و متحدان آن‌تانت ارائه کرد. لندن از اوایل سال ۱۹۱۴ خواستار شرکت مستقیم امریکا در عملیات نظامی بود، اما ویلسون به دلیل مقاومت انزواطلبان موفق نشد. به این سبب، امریکا فقط از اپریل ۱۹۱۷ وارد جنگ شد.

دهه دوم قرن بیستم با تغییرات اساسی در روبنای سیاسی ایالات متحده همراه شد. اهرم‌های قدرت در کشور به دست سهامداران اصلی نظام نخبیره فدرال، یعنی صاحبان پول افتاد. قوای سه گانه حاکمیت دولتی نیز مانند رئیس جمهور به ضمیمه این حاکمیت تبدیل شدند. بررسی دوره حضور ویلسون در کاخ سفید نشان می‌دهد که او بندرت به عمق مسائل می پرداخت. در واقع، او چیزی از نظام نخبیره فدرال نمی‌فهمید. تنها چند سال پس از بازنشستگی ویلسون متوجه شد، که با امضای قانون نخبیره فدرال در ۲۴ دسمبر ۱۹۱۳ چه خبطی کرده است (رجوع شود به دفترچه یادداشت‌های روزانه او).

جزئیات جدید دیگری در روبنای سیاسی امریکا پدیدار گشت. در دوره رئیس جمهور عروسکی مدیری ظاهر شد که به ساکن کاخ سفید دیکته می‌کرد که چه باید بگوید، با چه کسی ملاقات کند و چه چیزی را امضاء کند. مدیر زمان ویلسون فردی به نام سرهنگ هاوس بود. البته، این یک نام مستعار است. اسم اصلی او **ادوارد ماندل هاوس** بود که از قضاء در ارتش خدمت نکرده بود و درجه سرهنگی هم نداشت.

هاوس به نوشتن علاقه داشت. معروفترین اثر ادبی او رمان «آینده‌نگری فیلیپ دریو، مدیر: تاریخ فردا، ۱۹۲۰-۱۹۳۵» است. این رمان نخستین بار در سال ۱۹۱۲ چاپ شد (متأسفانه تاکنون به زبان روسی ترجمه نشده است). فیلیپ دریو، شخصیت اصلی رمان، در واقع، خودنگاره سرهنگ هاوس است. فیلیپ دریو تعیین می‌کند که سناتور **سلوین** رئیس جمهور ایالات متحده خواهد شد (او جای رئیس جمهور **راکلند** را گرفت که با شروع شورش‌ها از کشور گریخت). خود فیلیپ دریو با کمک **جان ثور**، «کاهن اعظم امور مالی» دیکتاتور می‌شود. خودش قانون دیکته می‌کند، قضاوت می‌کند و حکم صادر می‌کند. با وجود مدیر، رئیس جمهور فقط حق دارد «سلطنت کند، نه حکومت».

سرهنگ هاوس تحت‌الحمایه بانکداران بریتانیایی و «اشرافیت سیاه» انگلیس بود که نمایندگان آن در پایان قرن نوزدهم در **انجمن مخفی «میز گرد»** جمع شده بودند. سرهنگ هاوس رسالت خود را همانطور که در رمان خودنگاره او گفته می‌شود، بخوبی درک کرده بود.

از آن زمان، هر رئیس جمهور امریکا برای خود «مدیری» مانند فیلیپ دریو (سرهنگ هاوس) داشته است. **داگلاس رید** (۱۸۹۵-۱۹۷۶)، روزنامه‌نگار و نویسنده مشهور انگلیس در اثر خود به نام «**طرح بزرگ قرن بیستم**» (۱۹۹۷) می‌نویسد: «در اینجا (در رمان فیلیپ دریو، مدیر) ما زایش نهاد مشاوران ضد قانون اساسی را می‌بینیم که سیاست را به همه رؤسای جمهور بعدی دیکته خواهند کرد. در میان همه مشاوران، **برنارد باروخ**، بدنام‌ترین آن‌ها نیز به عنوان یکی از شرکت‌کنندگان سرسخت در ماجرای رئیس جمهور آینده بود (قهرمان رمان جان ثور، اقتصاددان منظور است). **داگلاس رید**، در مورد برنارد باروخ، سفته‌باز و اشراف مالی، که بعداً به عنوان «مدیر»، جانشین سرهنگ هاوس گردید و به رؤسای جمهور وارن هاردینگ (۱۹۲۱-۱۹۲۳)، کالوین کولیدج (۱۹۲۳-۱۹۲۹)، هربرت هوور (۱۹۲۹-۱۹۳۳)، فرانکلین روزولت (۱۹۳۳-۱۹۴۵) و هاری ترومن (۱۹۴۵-۱۹۵۳) خدمت کرد، به تفصیل توضیح می‌دهد.

اگر تشابهات وقایع ۱۱۰ سال پیش و روزگار معاصر را مورد توجه قرار دهیم، باید اعتراف کنیم، که ورود جو بایدن به کاخ سفید نیز نتیجه یک کودتای دولتی بود. و مطمئناً، بایدن نیز «مدیر» خودش، «سرهنگ هاوس» را دارد. اما اسم او را فعلاً نمی‌دانیم.

۲۲ فروردین- حمل ۱۴۰۱

مأخذ:

<https://www.fondsk.ru/news/2022/04/05/110-let-nazad-v-amerike-proizoshel-pochti-ne-zamechennyj-gosudarstvennyj-perevorot-55921.html>